

## بازشناسی مصادر احادیث کتاب الغیبه نعمانی

\* محمد معرفت

\*\* محمد غفوری نژاد

[تاریخ دریافت: ۹۶/۱۰/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۵/۳۰]

### چکیده

بازشناسی مصادر نخستین حدیثی، فواید کتاب‌شناختی، حدیثی، و تاریخی متعددی دارد. توجه به سند نقلی مصادر نخستین در منابع فهرستی، تکرار سلسله سند منتهی به صاحب کتاب در منابع حدیثی و همخوانی موضوع روایات با عنوان کتاب مؤلف، از روش‌های تشخیص اخذ حدیث از مصادر مکتوب است. مطالعه احادیث کتاب الغیبه نعمانی، که از منابع بسیار مهم و قدیمی شیعه در موضوع مهدویت است، و مقایسه آن با داده‌های فهرستی و حدیثی موجود نشان می‌دهد که وی از کتاب‌هایی همچون کتاب سلیم بن قیس و الکافی کلینی استفاده کرده است. از مصادر مقفود کتاب الغیبه نعمانی نیز می‌توان به تألیفات عبیدالله بن موسی علوی، علی بن حسن بن فضال، محمد بن سنان، محمد بن علی صیرفی حسن بن محبوب، ابن همام اسکافی، ابن ابی حمزه بطائنی، حسن بن محمد بن جمهور، عبدالله بن حماد انصاری، عبدالله بن جبلة، عبدالکریم بن عمرو خثعمی، موسی بن سعدان اشاره کرد. در این پژوهش از میان ۴۷۸ روایت کتاب غیبت نعمانی، مصدر ۴۳۸ روایت بر اساس برخی شواهد شناسایی شده که از میان آنها، ۸۵ روایت از دو مصدر موجود و ۳۵۳ روایت از ۲۰ مصدر مقفود اخذ شده‌اند.

کلیدواژه‌ها: نعمانی، الغیبه، احادیث مهدویت، مصادر حدیثی نخستین، بازشناسی مصادر حدیثی.

## درآمد

جوامع حدیثی که در سده‌های سوم و چهارم به بعد نگاشته شده، از متونی گرفته شده‌اند که در سده‌های اول و دوم نوشته شده بودند و غالباً به دست ما نرسیده‌اند. بر این اساس، می‌توان ادعا کرد بسیاری از متون حدیثی کهن با کمک مجموعه‌های به‌جامانده از سده‌های بعد قابل بازشناسی و بازسازی‌اند.

بازشناسی و بازسازی مصادر حدیثی نخستین شیعه فواید مهمی را در خود نهفته دارد که بخشی از آن به‌اختصار چنین است:

۱. شناسایی کتاب‌های موثق نزد محدثان قدیم شیعه که بعضاً ائمه (ع) هم تأیید کرده بودند؛

۲. بررسی کلی روایات راوی و کتاب او؛

۳. شناسایی نُسَخ مختلف و حل تعارض روایات؛

۴. شناخت بهتر محتوای آثار مفقود و حتی بازبابی قسمت‌هایی از آنها؛

۵. کمک به کشف اشتباه استنادات مشهور یا کشف اضافات و الحاقات به کتب یا

کشف کتاب یا مؤلف جعلی.

ابوعبدالله محمد بن ابراهیم بن جعفر الکاتب النعمانی البغدادی، معروف به ابن ابی‌زینب، از راویان بزرگ شیعه در اوایل قرن چهارم هجری (نجاشی، بی‌تا: ۳۸۳، ح ۱۰۴۳)، پس از درگذشت ابوالحسن علی بن محمد سمري (متوفای ۳۲۹ ق)، آخرین نایب حضرت مهدی (عج)، برای تحکیم تفکرات و اعتقادات شیعیان و نیز پاسخ‌گویی به شبهات اعتقادی در مسئله امامت و اسرار غیبت، کتاب غیبت را نگاشت (نک: نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۵-۲۰). او از مجموعه‌های روایی، به‌ویژه کتاب‌های غیبت که پیش از او تألیف شده بود، استفاده کرده است. از ویژگی‌های این اثر استفاده از مصادر بسیاری است که فقط در این کتاب از آنها بهره برده شده است. تنها راوی کتاب او، شاگردش ابوالحسین محمد بن علی الشجاعی [یا البجلی] الکاتب است (نجاشی، بی‌تا: ۱۸۳، ح ۱۰۴۳).

این پژوهش در پی بازشناسی آثاری است که نعمانی در تدوین کتاب غیبت از آنها بهره برده است. متذکر می‌شویم که در این مقاله اصالتاً به دنبال مصادر بی‌واسطه کتاب الغیبة نعمانی هستیم؛ هرچند ممکن است گاه به مصادر این مصادر نیز پردازیم. بنابراین در این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که مصادر حدیثی نخستین کتاب

الغیبة نعمانی، کدام کتاب‌ها و با چه محتوایی بوده‌اند و در چه حدی از آنها اخذ حدیث شده است.

### پیشینه تحقیق

پیش از این، محمدجواد شبیری زنجانی در مقاله «منبع‌شناسی: نعمانی و مصادر الغیبة» کتاب الغیبة نعمانی را از نگاه مصدرشناختی کاویده و برخی از مصادرش را بازشناسی کرده است. هرچند این مقاله فضل سبق در تحقیق این موضوع را از آن خود کرده و موفق به یافتن حدود ۱۲ نفر از مؤلفان مصادر مفقود شده، کاستی‌هایی دارد. استقصای روایات، بازشناسی حجم بسیار بیشتری از مصادر کتاب الغیبة نعمانی، یافتن مصادر موجود و مفقود، کتاب‌محوربودن به جای شخصیت‌محوربودن، توجه به روایات مشابه در دیگر مصادر حدیثی، تحلیل‌های مصدرشناختی درباره یکایک روایات کتاب الغیبة و به حداقل رساندن گمانه‌زنی‌ها و اجتناب از بیان حدس و احتمالات ضعیف، از مهم‌ترین مزایای این نوشتار نسبت به پیشینه مذکور است.

### روش تحقیق

قرینه‌های متعددی در کنار یکدیگر، تشخیص مصدر احادیث مجموعه‌های ثانوی حدیثی را میسر می‌کنند؛ توجه به سند نقل مصادر نخستین در فهرس، تکرار سلسله سند منتهی به صاحب کتاب در منابع حدیثی، هماهنگی موضوع روایت با موضوع کتابی که نام مؤلفش در سلسله سند حدیث ذکر شده، اخذ مستقیم روایت از مشایخ باواسطه، انطباق سند حدیث با طریق به برخی کتاب‌های رجال سند در منابع فهرستی، تکرار بخش‌های آغازین سند یا تعلیق سند به اضمار در گروهی از روایات پی‌درپی و شناسایی بخش مشترک اسانید در گروهی از روایات پراکنده از مهم‌ترین آن قرائن است.<sup>۱</sup> با به‌کار بستن این قرائن می‌توان بسیاری از روایات مصادر حدیثی کهن از دست‌رفته را بازشناخت و برخی از آثار را تا حدودی بازسازی کرد.

### مصدرشناسی کتاب الغیبة

نعمانی فقط یک بار که از کتاب سلیم حدیث گرفته، به نام منبع خود تصریح کرده

است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۸، ح ۸). با بررسی سند روایات کتاب نعمانی و سنجدیدن آنها با برخی دیگر، مصادر کتاب او را می‌توان شناسایی کرد. از منابع نعمانی در کتاب الغیبه، فقط کتاب سلیم و کتاب کافی محمد بن یعقوب کلینی تا کنون موجودند و نعمانی بارها در کتاب خود از آنها روایت نقل کرده است. دیگر منابع وی اکنون در دسترس نیست و با توجه به شواهد و قرائن می‌توان تا حدودی آنها را بازشناخت.

مصادری را که نعمانی از آنها بهره برده می‌توان به دو گروه مصادر موجود و مصادر مفقود تقسیم کرد. در این موضع، بر اساس مؤلفانی که نعمانی در تدوین کتاب غیبت از آثار مکتوب آنان بهره برده، مصادر مورد استفاده وی را بررسی می‌کنیم.

## مصادر موجود

### ۱. کتاب ابوصادق سلیم بن قیس هلالی عامری کوفی

کتاب سلیم بن قیس از قدیمی‌ترین کتب حدیثی باقی مانده است که اهمیت فراوانی از نظر تاریخی حدیثی و کلامی دارد. از دیرزمان شخصیت سلیم (متوفای ۷۶ ق) و کتاب منسوب به وی محل مناقشه اندیشمندان شیعه بوده است. دیدگاه‌های ابرازشده درباره کتاب سلیم در چهار دسته می‌گنجد: اعتبار مطلق، اعتبار نسبی، جعلی بودن کتاب و جعلی بودن کتاب و نویسنده. برخی پژوهش‌های معاصر نشان از آن دارند که در این میان صحیح‌ترین نظریه، اعتبار نسبی کتاب سلیم است. بر این اساس، شخصیت سلیم و کتابش وجود حقیقی داشته، اما به مرور زمان نسخه‌های آن دست‌خوش زیادت و نقصان شده است (نک: قلیچ، ۱۳۹۰). طرفه آنکه، نعمانی خود در اظهارنظری نادر و مهم، کتاب سلیم را ارزیابی کرده و نگاه دانشمندان شیعه در عصر خود راجع به این کتاب را برای ما بازتابانده است. وی می‌گوید در اینکه کتاب سلیم از مهم‌ترین اصولی است که راویان شیعی نقل کرده‌اند و قدیمی‌ترین آنها محسوب می‌شود هیچ اختلافی میان شیعیان تا عصر او وجود نداشته است. نعمانی کتاب سلیم را از منابعی معرفی می‌کند که شیعیان دائماً بدان رجوع می‌کرده و به آن اعتماد داشته‌اند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۰۱-۱۰۲).

در مجموع، پنج حدیث از کتاب سلیم در باب چهارم از کتاب غیبت نعمانی آورده شده است (همان: ۶۸، ح ۸؛ ۷۴، ح ۹؛ ۷۵، ح ۱۰؛ ۸۱، ح ۱۱؛ ۸۲، ح ۱۲).<sup>۲</sup> نکات زیر در خور توجه است:

الف) نعمانی در اولین حدیث (همان: ۶۸، ح ۸) به اخذ از کتاب سلیم تصریح دارد. شایان ذکر است که علت پایین بودن درصد تشابه<sup>۳</sup> این روایت با روایت موجود در کتاب سلیم (الهالی، ۱۴۰۵: ۷۴۸/۲) افزون بر جابه‌جایی برخی الفاظ و نقل به معنا در سطح واژگان یا جملات، اختلاف نسخه در انتهای روایت نعمانی است.

ب) با تکرار سند «... عَبْدُ الرَّزَّاقِ بْنِ هَمَّامٍ، عَنْ مَعْمَرِ بْنِ رَاشِدٍ، عَنْ أَبَانَ بْنِ أَبِي عِيَّاشٍ، عَنْ سُلَيْمِ بْنِ قَيْسِ الْهَلَالِيِّ» در آغاز چهار سند (نعمانی، ۱۳۹۷: ۷۴، ح ۹؛ ۷۵، ح ۱۰؛ ۸۱، ح ۱۱؛ ۸۲، ح ۱۲) محتمل است که نعمانی این احادیث را از کتاب عبدالرزاق بن همام، و عبدالرزاق نیز از کتاب سلیم گرفته باشد. البته دور از ذهن نیست که کتاب سلیم از طریق عبدالرزاق نقل شده باشد و نعمانی طریق عبدالرزاق به سلیم را در ابتدای اسناد ذکر کرده باشد.

ج) نعمانی پس از ذکر این پنج روایت، کثرت احادیث کتاب سلیم در زمینه تعداد امامان (ع) را متذکر شده و از قول او گفته است: «إِنَّ الْأَنْمَةَ مَنْ وَوَلَدَ الْحُسَيْنِ تَسْعَةً، تَأْسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ ظَاهِرُهُمْ بَاطِنُهُمْ وَهُوَ أَفْضَلُهُمْ» (همان: ۱۰۲). پس از جست‌وجو در کتاب سلیم، ۲۶ حدیث، غیر از روایات پنج‌گانه فوق، با همین مضمون یافت شد (الهالی، ۱۴۰۵: ۱۷۲/۱؛ ۱۷۳/۱-۱۸۰؛ ۱۸۰/۲؛ ۹۴۰/۲).

## ۲. کافی کلینی

می‌دانیم که نعمانی شاگرد و کاتب کلینی (متوفای ۳۲۸ یا ۳۲۹ ق) بوده است. نعمانی در گردآوری کتاب غیبت، ۸۰ حدیث از کافی نقل کرده که این احادیث به طور پراکنده در یازده باب از ابواب بیست‌وشش‌گانه کتاب آمده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۰، ح ۳ و ۴؛ ۹۴، ح ۲۵ و ۲۶ و ۲۷؛ ۱۱۲، ح ۳؛ ۱۴۴، ذیل ۸؛ ۱۲۹، ح ۵؛ ۱۳۰، ح ۷ و ۸ و ۹ و ۱۰؛ ۱۳۱، ح ۱۱ و ۱۲؛ ۱۳۲، ح ۱۳ و ۱۴؛ ۱۳۳، ح ۱۵؛ ۱۳۵، ذیل ۸؛ ۱۳۷، ذیل ۲؛ ۱۳۸، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۶ و ۷ و ۸؛ ۱۳۹، ح ۹ و ۱۰ و ۱۱ و ۱۲؛ ۱۴۰، ح ۳ و ۴ و ۵؛ ۱۵۰، ذیل ۶ و ۷؛ ۱۵۳، ذیل ۳؛ ۱۵۸، ذیل ۳؛ ۱۵۹، ذیل ۷؛ ۱۶۲، ح ۲؛ ۱۶۴، ذیل ۴؛ ۱۶۷، ذیل ۶ (دو روایت)؛ ۱۶۸، ذیل ۷ و ۹؛ ۱۶۹، ذیل ۱۱؛ ۱۷۰، ح ۲؛ ۱۷۱، ح ۴؛ ۱۷۳، ح ۹؛ ۱۷۵، ح ۱۴ و ۱۶؛ ۱۷۶، ذیل ۱۷؛ ۱۷۷، ذیل ۲۱؛ ۱۸۶، ح ۳۸؛ ۱۸۷، ح ۳۹ و ۴۰؛ ۱۸۸، ح ۴۱ و ۴۲ و ذیل ۴۲؛ ۱۹۱، ح ۴۶؛ ۲۰۱، ح ۱؛ ۲۰۲، ح ۲ و ۳؛ ۲۰۵، ذیل ۷؛ ۲۰۹، ذیل ۱۶؛ ۲۱۶، ح ۶؛ ۲۲۴، ح ۷؛ ۲۲۹، ح ۶۷؛ ۲۹۳، ح ۱۰؛ ۲۹۴، ح ۱۱ و ۱۲ و ۱۳؛ ۲۹۵، ح ۱۴؛ ۲۹۶، ح ۱۵؛ ۳۲۹، ح ۱ و ۲؛ ۳۳۰، ح ۳ و ۴ و ۵ و ۶).<sup>۴</sup> در این باره نکات ذیل را متذکر می‌شویم:

الف) وجود این روایات در کافی و مقایسه میان متن روایات و سند آنها در دو کتاب، بهترین قرینه بر اخذ مستقیم آنها از کافی است.

ب) علت پایین بودن درصد تشابه در برخی از این روایات با روایات موجود در کافی، افزون بر جابه‌جایی برخی الفاظ و نقل به معنا در سطح واژگان یا جملات، اختلاف نسخه در ابتدا یا انتهای روایت غیبت است (برای نمونه نک: همان: ۶۰، ح ۴: ۱۱۲، ح ۳: ۱۳۱، ح ۱۱).

ج) در یک فقره، روایت نعمانی در غیبت (همان: ۲۹۴، ح ۱۲) نسبت به روایت کلینی در کافی (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۶۸/۱، ح ۳) زیاده‌ای در ذیل حدیث دارد. بنابراین، این احتمال که نعمانی آن را شفاهاً از استادش کلینی اخذ کرده باشد تقویت می‌شود. همچنین محتمل است نعمانی این روایت را از سایر کتب کلینی (نجاشی، بی‌تا: ۳۷۷، ح ۱۰۲۶) اخذ کرده باشد.

د) نعمانی روایتی را با سند «وَأَخْبَرَنَا مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ الْكَلِينِيُّ أَبُو جَعْفَرٍ، قَالَ...» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷۹، ح ۶۷) از کلینی نقل می‌کند که بعد از فحوص و جست‌وجو در کافی نیافتیم. البته روایتی در کافی با محتوا و مضمون بسیار شبیه به آن یافت شد (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۱۰/۸، ح ۴۸۳). قرائن زیر بی‌ارتباط بودن این دو روایت را تأیید می‌کنند:

۱. سند نعمانی و کلینی از نظر تطبیق، با یکدیگر بسیار اختلاف دارند؛
۲. نعمانی حدیث را از امام باقر (ع) و کلینی از امام صادق (ع) نقل کرده‌اند؛
۳. تمام روایات نعمانی از جلد اول کافی گرفته شده بود، اما این روایت در جلد هشتم است.

حاصل آنکه از میان ۸۰ روایتی که نعمانی در کتاب غیبت از کلینی نقل کرده، فقط یک روایت را بعد از فحوص در نسخ منتشر شده کتاب کافی نیافتیم. با توجه به اینکه نعمانی شاگرد بلاواسطه کلینی بوده، احتمال دارد آن را شفاهاً از کلینی دریافت کرده باشد. همچنین با توجه به مضمون حدیث، محتمل است نعمانی این روایت را از کتاب‌های دیگر کلینی، غیر از کافی، مانند کتاب *الرد علی القرامطه* (نجاشی، بی‌تا: ۳۷۷، ح ۱۰۲۶) اخذ کرده باشد. از سوی دیگر، بعید نیست این سند طریق دیگر نعمانی به کتاب ابن محبوب باشد؛ یعنی کلینی و سندهای دارای تحویل<sup>۵</sup>، در طریق روایت کتاب ابن محبوب قرار دارند. قرائن را که تقویت‌کننده این احتمال است در همین

نوشتار در قسمت کتاب ابوعلی حسن بن محبوب الزرّاد از مصادر مفقود خواهیم آورد.

## مصادر مفقود

تعدادی از احادیث غیبت نعمانی از مصادری گرفته شده که اینک مفقودند. به کمک برخی قرائن و شواهد، آن منابع را برمی‌شمیریم.

### ۱. کتاب ابوتراب عبیدالله بن موسی العَلَویّ العبّاسیّ

روایاتی که نعمانی در غیبت از او اخذ کرده، ۵۸ تا است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶؛ ۵۲، ح ۳؛ ۵۳، ح ۴؛ ۵۴، ح ۵ و ۷؛ ۱۱۵، ح ۱۲ و ۱۳؛ ۱۲۸، ذیل ۲؛ ۱۵۵، ح ۱۵؛ ۱۶۳، ح ۴؛ ۱۶۴، ح ۵؛ ۱۶۸، ح ۸؛ ۱۷۶، ح ۱۸ و ۱۹؛ ۱۸۲، ح ۴۱؛ ۱۸۳، ح ۳۳؛ ۱۸۵، ذیل ۳۶؛ ۱۹۷، ح ۸ و ۹؛ ۱۹۸، ح ۹؛ ۱۹۹، ح ۱۲ و ۱۳؛ ۲۰۰، ح ۱۵ و ۱۷؛ ۲۰۵، ح ۸؛ ۲۰۶، ح ۱۰ و ۱۲؛ ۲۰۷، ح ۱۳؛ ۲۰۸، ح ۱۴ و ۱۵؛ ۲۱۲، ح ۱؛ ۲۱۴، ح ۲؛ ۲۳۹، ح ۳۳؛ ۲۴۲، ح ۳۹ و ۴۰؛ ۲۴۳، ح ۴۳؛ ۲۴۵، ح ۴۶؛ ۲۴۸، ح ۲؛ ۲۵۱، ح ۷؛ ۲۵۲، ح ۱۱؛ ۲۶۷، ح ۳۸؛ ۲۷۰، ح ۴۲؛ ۲۷۴، ح ۵۵؛ ۲۸۳، ح ۱؛ ۲۸۴، ح ۳؛ ۲۸۹، ح ۳ و ۵؛ ۲۹۰، ح ۷؛ ۲۹۸، ح ۴؛ ۲۹۹، ح ۶؛ ۳۰۳، ح ۱۱؛ ۳۰۴-۳۰۵، ح ۱۴-۱۶؛ ۳۱۴، ح ۶؛ ۳۱۹، ح ۶؛ ۳۲۲، ح ۱؛ ۳۳۲، ح ۴). نعمانی با واسطه علی بن احمد بن نصر البَندِیجِی از او روایت کرده است. علی بن احمد در غیبت نعمانی فقط در نقش راوی عبیدالله بن موسی ظاهر می‌شود (نک: غفاری، در: نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۷، پاورقی ۱). نام بندینجی در فهرس در شمار مؤلفان یاد نشده است. از دیگر سو، نام راویان در سند روایات تا عبیدالله بن موسی مشترک است و از او به بعد مختلف می‌شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ۵۲؛ ح ۳؛ ۵۴، ح ۵ و ۷؛ ۱۱۵، ح ۱۲ و ۱۳؛ ۱۷۶، ح ۱۸ و ۱۹؛ ۱۸۳، ح ۳۳؛ ۱۹۷، ح ۸؛ ۱۹۸، ح ۲؛ ۱۹۹، ح ۱۲ و ۱۳؛ ۲۰۰، ح ۱۵ و ۱۷؛ ۲۰۵، ح ۸؛ ۲۰۶، ح ۱۰ و ۱۲؛ ۲۰۸، ح ۱۴ و ۱۵؛ ۲۴۲، ح ۳۹ و ۴۰؛ ۲۴۹، ح ۳ و ۵؛ ۳۰۴، ح ۱۴؛ ۳۰۵، ح ۱۵ و ۱۶). همچنین عبیدالله در برخی اسناد، از افرادی روایت کرده که از تعبیر «عن رجل» (همان: ۱۳/۲۰۷)، «عن بعض رجاله» (همان: ۲۱۴، ح ۲؛ ۳۳۲، ح ۴) یا «عمّن رواه» (همان: ۳۱۹، ح ۶) برای معرفی آنها استفاده کرده است. نیز عبیدالله در برخی اسانید، از اشخاص ناشناخته مثل موسی بن هارون المَعْبِدیّ (همان: ۲۱۲، ح ۱) و عبدالرحمن بن قاسم (همان: ۲۴۸، ح ۲؛ ۲۹۰، ح ۷) روایت کرده است. اشتراک سند روایات تا عبیدالله مؤید این نکته است که وی مؤلف کتاب یا کتاب‌هایی است که روایات از آن اخذ شده است.

## ۲. کتاب ابوالحسن علی بن الحسن بن علی بن فضال التیمی الکوفی

روایاتی که نعمانی در غیبت از او اخذ کرده ۴۳ تا است (همان: ۲۵؛ ۱۱۲، ح ۵؛ ۱۲۹، ح ۶؛ ۱۷۰، ح ۱؛ ۱۷۱، ح ۳؛ ۱۷۷، ح ۲۰؛ ۱۹۵، ح ۳؛ ۲۰۶، ح ۱۱؛ ۲۱۰، ذیل ۱۷؛ ۲۲۹، ح ۱۲؛ ۲۳۲، ح ۱۶ و ۱۷؛ ۲۳۹، ح ۳۲؛ ۲۴۰، ح ۳۴؛ ۲۵۷، ح ۱۵ و ۱۶؛ ۲۵۸، ح ۱۷؛ ۲۶۰، ح ۱۹؛ ۲۶۳، ح ۲۳ و ۲۵؛ ۲۶۴، ح ۲۸؛ ۲۶۶، ح ۳۲ و ۳۳؛ ۲۶۹، ح ۴۱؛ ۲۷۱، ح ۴۵؛ ۲۷۳، ح ۵۰ و ۵۱؛ ۲۷۴، ح ۵۲ و ۵۳؛ ۲۷۸، ح ۶۲؛ ۲۸۳، ح ۱؛ ۲۸۸، ح ۱؛ ۳۰۰، ح ۳؛ ۳۰۱، ح ۴ و ۵؛ ۳۰۴، ح ۱۳؛ ۳۰۹، ح ۴؛ ۳۱۲، ح ۳؛ ۳۱۶، ح ۱۲؛ ۳۱۷، ح ۳؛ ۳۲۰، ح ۱؛ ۳۳۱، ح ۱). نعمانی با واسطه ابن عقده از او روایت نقل کرده است. وی از جمله مشایخی است که ابن عقده در برخی اسناد، به اخذ از کتابش تصریح کرده است (همان: ۱۱۲، ح ۵؛ ۱۲۹، ح ۶؛ ۲۶۶، ح ۳۳؛ ۲۷۸، ح ۶۲؛ ۲۸۳، ح ۱؛ ۳۰۴، ح ۱۳)؛ از جمله در برخی از این اسناد تصریح کرده که حدیث را در صفر سال ۲۷۴ ق از کتاب علی بن حسن بن فضال روایت کرده است (همان: ۲۸۳، ح ۱؛ ۳۰۴، ح ۱۳). همین مطلب، با اشاره به همان ماه و همان سال، بدون تصریح به روایت از کتاب، در بعضی اسناد دیگر آمده است (همان: ۲۴۰، ح ۳۴؛ ۳۰۰، ح ۳). بنابراین متبادر به ذهن است که نمونه‌های بسیار دیگری نیز که ابن عقده صریحاً به نقل حدیث از کتاب ابن فضال اشاره نکرده (همان: ۲۵؛ ۱۷۰، ح ۱؛ ۱۷۱، ح ۳؛ ۱۹۵، ح ۳؛ ۲۰۶، ح ۱۱؛ ۲۱۰، ذیل ۱۷؛ ۲۲۹، ح ۱۲؛ ۲۳۲، ح ۱۶ و ۱۷؛ ۲۳۹، ح ۳۲؛ ۲۴۰، ح ۳۴؛ ۲۵۷، ح ۱۵ و ۱۶؛ ۲۵۸، ح ۱۷؛ ۲۶۰، ح ۱۹؛ ۲۶۳، ح ۲۳ و ۲۵؛ ۲۶۴، ح ۲۸؛ ۲۶۶، ح ۳۲؛ ۲۶۹، ح ۴۱؛ ۲۷۱، ح ۴۵؛ ۲۷۳، ح ۵۰؛ ۲۷۴، ح ۵۲؛ ۲۸۸، ح ۱؛ ۳۰۰، ح ۳؛ ۳۰۱، ح ۴ و ۵؛ ۳۰۹، ح ۴؛ ۳۱۲، ح ۳؛ ۳۱۶، ح ۱۲؛ ۳۱۷، ح ۳؛ ۳۲۰، ح ۱؛ ۳۳۱، ح ۱) از کتاب او گرفته شده است؛ به‌خصوص آنهایی که تاریخ روایت ابن عقده در آنها همان تاریخی است که ابن عقده صریحاً به نقل روایت از کتاب او اشاره کرده است (همان: ۲۴۰، ح ۳۴؛ ۳۰۰، ح ۳). مؤید این احتمال وجود تعدادی اسانید پی‌درپی در غیبت نعمانی است که از آغاز تا علی بن حسن بن فضال یکسان‌اند و از او به بعد متفاوت می‌شوند (همان: ۲۵۷-۲۵۸، ح ۱۵-۱۷؛ ۲۶۴-۲۶۶، ح ۲۸-۳۳؛ ۲۷۳-۲۷۴، ح ۵۴-۵۰؛ ۳۰۰-۳۰۱، ح ۳-۵).

## ۳. کتاب ابو جعفر محمد بن سنان الزاهری

در کتب اربعه حدیثی عنوان «محمد بن سنان» در اسناد ۷۹۷ حدیث وجود دارد (خویی، ۱۴۱۳: ۱۴۸/۱۷، ح ۱۰۹۳۶). کتاب الطوائف و کتاب النوادر از آثار او است (نجاشی، بی‌تا: ۳۲۸، ح ۸۸۸). نعمانی در غیبت ۱۹ روایت از کتاب یا کتاب‌های وی اخذ



کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸؛ ۳۵؛ ۵؛ ۸۵؛ ۱۵؛ ۱۱۴، ح ۱؛ ۱۳۴، ح ۱۷؛ ۱۳۹، ح ۱؛ ۱۹۳، ح ۵؛ ۲۷۶، ح ۵۷؛ ۲۷۸، ح ۶۳؛ ۲۸۵، ح ۴؛ ۲۸۸، ح ۲؛ ۲۹۷، ح ۲؛ ۲۹۹، ح ۵؛ ۳۰۸، ح ۳؛ ۳۱۳، ح ۴؛ ۳۲۰، ح ۹؛ ۳۲۱، ح ۲ و ذیل ۲ و ۳). وجود چند سند پی‌درپی در غیبت نعمانی که از آغاز تا محمد بن سنان یکسان‌اند و از او به بعد متفاوت می‌شوند (برای نمونه نک: همان: ۳۲۱، ح ۲ و ذیل ۲ و ۳) قرینه‌ای است بر اینکه این روایات از کتاب محمد بن سنان اخذ شده‌اند.

طریق نعمانی به کتاب وی در همه احادیث، جز دو حدیث (همان: ۳۵؛ ۵؛ ۸۵؛ ح ۱۵)، چنین است: «عبدالواحد بن عبدالله بن یونس الموصلی، عن محمد بن جعفر القرشی المعروف بالرزاز الکوفی، عن محمد بن الحسین بن ابی الخطاب، عن محمد بن سنان». درباره دو حدیثی که طریق نعمانی به محمد بن سنان در آنها تکرار نشده، می‌گوییم: در سند اولین حدیث (همان: ۳۵، ح ۵) «محمد بن غیاث» تصحیف «محمد بن سنان» است؛ زیرا همین حدیث در کافی از محمد بن سنان به روایت از عبدالاعلی بن أعین نقل شده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۲۲/۲، ح ۵). سند دومین حدیث (نعمانی، ۱۳۹۷: ۸۵، ح ۱۵) نیز دچار اشکال است، زیرا عمر بن ابان کلبی از اصحاب امام صادق (ع) است (طوسی، ۱۳۷۳: ۲۵۳، ح ۳۵۶) و روایت بدون واسطه ابن ابی الخطاب از وی بعید است؛ چراکه ابن ابی الخطاب را در زمره اصحاب امام رضا، امام جواد و امام هادی (ع) برشمرده‌اند (همان: ۳۷۹، ح ۵۶۱؛ ۳۹۱، ح ۵۷۷). از این رو ابن ابی الخطاب در برخی اسانید (کلینی، ۱۴۰۷: ۵۸۱/۴، ح ۷؛ ابن قولویه، ۱۳۵۶: ۸۳، ح ۲؛ ۱۱۹، ح ۱؛ ۱۸۹، ذیل ۲؛ ۱۹۲، ح ۹) به دو واسطه (موسی بن سعدان عن عبدالله بن قاسم) و در سندی (صدوق، ۱۳۹۵: ۲۳۱/۱، ح ۳۴) به یک واسطه (جعفر بن بشیر) از عمر بن ابان روایت کرده است. بنابراین تردیدی نیست که این سند دچار اشکال است. شاید در این سند جابه‌جایی رخ داده و در اصل چنین بوده است: «عن ابن سنان عن عمر بن ابان الکلبی» (نک: شیبیری زنجانی، ۱۳۸۰: ۲۴۶-۲۵۹). بر این اساس، این دو روایت نیز مأخوذ از کتاب محمد بن سنان خواهد بود.

#### ۴. کتاب ابو جعفر محمد بن علی بن ابراهیم الکوفی القرشی الصیرفی

صاحبان فهرس وی را مؤلف کتاب معرفی کرده‌اند (نجاشی، بی‌تا: ۳۲۸، ح ۸۸۸؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۰۶، ح ۶۲۰؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۷۱، ح ۳۶؛ ابن غضائری، ۱۴۲۲: ۹۴، ح ۱۳۴). نعمانی در غیبت ۳۰ روایت از کتاب وی اخذ کرده (نعمانی، ۱۳۹۷: ۸۵-۸۶، ح ۱۶ و ۱۷؛ ۹۰، ح ۲۰؛ ۱۱۵، ح ۱۱؛

۱۵۶، ح ۱۸؛ ۱۸۳، ح ۳۴؛ ۱۸۸، ح ۴۲؛ ۱۹۱، ح ۴۵ و ۱؛ ۲۰۴، ح ۷؛ ۲۱۱، ح ۲۰؛ ۲۳۱، ح ۱۴ و ۱۵؛ ۲۳۳، ح ۱۸-۲۰؛ ۲۳۶-۲۳۷، ح ۲۵ و ۲۶؛ ۲۴۱، ح ۳۸؛ ۲۷۷، ح ۶۰ و ۶۱؛ ۲۸۵، ح ۵؛ ۲۸۹، ح ۶؛ ۳۱۲، ح ۴؛ ۳۱۴، ح ۷؛ ۳۱۵، ح ۹ و ۱۰؛ ۳۱۶، ح ۱۳؛ ۳۱۸، ح ۴؛ ۳۲۲، ذیل (۱) که طریقتش را چنین می آورد: «علی بن الحسین، عن محمد بن یحیی العطار، عن محمد بن حسان الرازی، عن محمد بن علی الکوفی»؛ از آنجا که این طریق در همه جا تا محمد بن علی کوفی مشترک است و از او به بعد نام راویان مختلف است، مؤلف مصدر مکتوبی که نعمانی استفاده کرده محمد بن علی کوفی است و محمد بن حسان رازی راوی نخستین کتاب است.

محمد بن علی کوفی پنج کتاب به نام‌های کتاب الوصایا، کتاب العتق، کتاب الدلائل، کتاب التفسیر و کتاب الآداب داشته است (نجاشی، بی تا: ۳۳۲، ح ۸۹۴). با توجه به اینکه دو کتاب اول او در زمره آثار فقهی، و دو کتاب اخیر وی در موضوع تفسیر قرآن و اخلاق است، به نظر می‌رسد نعمانی این روایات را از کتاب الدلائل اخذ کرده است.

##### ۵. کتاب ابوعلی حسن بن محبوب السّرّاد (الزّرّاد)

نام او در شمار اصحاب اجماع (کشی، ۱۴۰۹: ۵۵۶/۲) و در طریق قریب به سه هزار حدیث از کتب اربعه شیعه دیده می‌شود (نک: خویی، ۱۴۱۳: ۹۶/۶-۱۱۴). شیخ طوسی او را مؤلف کتب بسیار از جمله المشیخه، الحدود، الديات، الفرائض، النکاح، الطلاق، النوادر، العتق و المراح دانسته است (طوسی، ۱۴۲۰: ۱۲۲، ح ۱۶۲). هیچ‌یک از کتاب‌های وی در دست نیست. به احتمال قوی منبعی که نعمانی استفاده کرده کتاب المشیخه حسن بن محبوب است. ابن محبوب در این نگاشته، تمامی استادان و مشایخ خود و آنچه از آنان با سماع و اجازه روایت کرده را در زیر نام هر یک آورده بوده است (همان).

طریق نعمانی به کتاب وی در همه جا، به جز دو جا (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۰، ح ۱ و ۲)، چنین است: «احمد بن محمد بن سعید ابن عقده، عن محمد بن المفضل بن ابراهیم [بن قیس بن رُمّانة] الأشعری و سعدان بن اسحاق بن سعید و احمد بن الحسین ابن عبد الملك [الزیات] و محمد بن احمد بن الحسن [القَطَوانی]، عن الحسن بن محبوب (... (همان: ۱۲۷، ح ۲؛ ۱۲۹، ح ۳؛ ۱۳۶، ح ۲؛ ۱۶۳، ح ۳؛ ۱۷۲، ح ۷؛ ۲۲۸، ح ۸؛ ۲۳۸، ح ۲۷؛ ۲۶۰، ذیل ۱۹؛ ۲۶۷، ح ۳۵؛ ۲۷۰، ح ۴۳؛ ۲۷۹، ح ۶۷-۶۵؛ ۲۹۲، ح ۸ و ۹؛ ۳۳۱، ح ۳). قرائن زیر اخذ نعمانی از کتاب حسن بن محبوب را تأیید می‌کند:

الف) نعمانی پس از نقل روایتی (همان: ۲۷۹، ح ۶۵) با طریق یادشده، دو روایت (همان: ۶۶ و ۶۷) دیگر آورده است. نعمانی روایت دوم را با واسطه کلینی و او با سه طریق از حسن بن محبوب روایت کرده است. با توجه به یافت نشدن این روایت (همان: ۶۷) در کافی، بعید نیست که این سند طریق دیگر نعمانی به کتاب ابن محبوب باشد. یعنی احتمالاً کلینی و سندهای دارای تحویل، طرق دیگر روایت کتاب ابن محبوب هستند. همچنین محتمل است این حدیث از منقولات شفاهی نعمانی باشد. نیز با توجه به مضمون حدیث، احتمال دارد این روایت از کتاب‌های دیگر کلینی، غیر از کافی، مانند کتاب الرّد علی القرامطه (نجاشی، بی تا: ۳۷۷، ح ۱۰۲۶) گرفته شده باشد.

ب) در ابتدای یکی از فصول کتاب غیبت دو حدیث مشابه با دو سند متفاوت، پشت سر هم آمده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۷۰، ح ۱ و ۲). این در حالی است که عادتاً نعمانی اگر برای یک متن دو یا چند سند داشته باشد، متن را بعد از سند اول و سایر اسانید را پس از آن می آورد و دیگر متن را تکرار نمی کند، بلکه به کلمه «مثله» اکتفا می کند (برای نمونه نک: همان: ۱۱۴، ذیل ۸؛ ۱۲۱، ذیل ۹؛ ۱۲۹، ذیل ۲؛ ۱۵۸، ذیل ۳؛ ۱۳۵، ذیل ۱۸). با دقت در سند این دو روایت ملاحظه می شود هر دو متن از حسن بن محبوب از اسحاق بن عمار روایت شده اند و به خوبی نشان می دهد که هر دو سند، طریق برای کتاب حسن بن محبوب الزّراد هستند. از این رو بدون تردید نام‌هایی که قبل از حسن بن محبوب آمده اند همگی مشایخ روایت کتاب او هستند (نک: خوبی، ۱۴۱۳: ۹۶/۶-۱۰۱).

آنچه باقی می ماند علت تکرار متن حدیث مذکور از جانب نعمانی و تقدم طریق «ابن عقده» زیدی و «علی بن حسن التیمیلی» فطّحی بر طریق و متن کلینی است. در این باره می گوئیم: مهم ترین اختلاف دو روایت، تقدم و تأخر کلمه «قصیره» و «طویله» است. به این ترتیب، در روایت اول کلمه «الأولی» به «غیبت طویله» و در روایت دوم به «غیبت قصیره» می خورد. از این رو گزاره مربوط به این دو غیبت، در دو نقل متعکس می شود. بنابراین نعمانی در ابتدا نسخه کتاب المشیخه را از طریق ابن عقده روایت کرده، سپس همان روایت را به دلیل اختلاف نسخه و انطباقش با اعتقادات اثناعشریه به واسطه دیگر استادش کلینی از کتاب کافی تکرار کرده است؛ چنانکه کلینی همین حدیث را به همان سند و متن کتاب غیبت نعمانی در کافی آورده است (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۴۰/۱، ح ۱۹). البته با این تفاوت که در کافی عبارت «فی دینه» ذکر نشده است. با این

توضیح شکی نیست که کلینی این روایت را از طریق مشایخش از کتاب ابن محبوب نقل کرده است.

با توجه به توضیحاتی که گذشت، تعداد روایاتی که نعمانی در غیبت از حسن بن محبوب اخذ کرده ۱۸ تا است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۲۷، ۲: ۱۲۹، ۳: ۱۳۶، ۲: ۱۶۳، ۳: ۱۷۰، ۱ و ۲: ۱۷۲، ۷: ۲۲۸، ۸: ۲۳۸، ۲۷: ۲۶۰، ذیل ۱۹: ۲۶۷، ۳۵: ۲۷۰، ۴۳: ۲۷۹، ۶۵-۶۷: ۲۹۲، ۸ و ۹: ۳۳۱، ۳).  
 ۶. کتاب ابوعلی محمد بن همّام بن سهیل الکاتب الاسکافی

تنها اثری که در منابع متقدم به وی نسبت داده شده و امروزه اثری از آن در دست نیست، کتاب *منتخب الأنوار فی تاریخ الأئمة الأطهار (ع)* است (نجاشی، بی تا: ۳۸۰، ح ۱۰۳۲). در قرن پنجم هجری حسین بن عبدالوهاب در *عیون المعجزات* مطالبی را از آن کتاب نقل کرده است (نک: ابن عبدالوهاب، بی تا: ۱۲، ۱۶، ۱۹، ۴۳، ۵۹، ۱۱۷). همچنین در قرن ۶ هجری ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹: ۲۷۵/۳، ۴۲/۴، ۵۰، ۱۳۴، ۱۳۵، ۲۷۲، ۲۹۷، ۳۲۸) و ابن ادریس (ابن ادریس حلی، ۱۴۱۰: ۶۵۶/۱) و در قرن ۷ هجری علی بن موسی بن طاووس (ابن طاووس، ۱۴۰۹: ۵۸۲/۲) و عبدالکریم بن احمد بن طاووس (ابن طاووس، بی تا: ۱۰۳، ۱۰۵، ۱۰۹، ۱۱۳) از این کتاب بهره برده‌اند. منتخبی از این کتاب را مجلسی نیز در اختیار داشته است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۷/۱).

نام ابن همّام در آغاز بسیاری از اسانید غیبت نعمانی آمده که شمار آنها به ۳۵ سند می‌رسد (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۴: ۶۷، ۷: ۱۵۲، ۱۰: ۱۵۴، ۱۳: ۱۵۵، ۱۶: ۱۵۷، ۲۰: ۱۵۹، ۴ و ۶ و ۷: ۱۶۶، ۶: ۱۶۷، ۷: ۱۶۹، ۱۰ و ۱۱: ۱۷۶، ۱۷: ۱۷۹، ۲۴ و ۲۶: ۱۸۰، ۲۷ و ۲۸: ۱۸۱، ۲۹: ۱۸۳، ۳۲: ۱۸۴، ۳۵: ۱۸۵، ۳۶: ۱۸۶، ۳۷: ۲۰۴، ۵: ۲۴۳، ۴۲: ۲۴۹، ۴: ۲۵۰، ۵: ۲۷۷، ۵۹: ۲۹۷، ۳: ۳۰۲، ۷: ۳۰۷، ۱: ۳۱۱، ۲: ۳۲۲، ۲: ۳۲۴، ۲: ۳۲۷، ۵). نعمانی بدون واسطه از او روایت نقل کرده است. استفاده نعمانی از عباراتی در سند مثل «محمد بن همّام یسنّاده یرفّعه إلی...» (همان: ۱۵۹، ۶) و «محمد بن همّام یسنّاده عن...» (همان: ۱۶۷، ۷) اشعار بر اخذ آنها از ابن همّام دارد. همچنین تکرار نام ابن همّام در اسناد متوالی که فقط نام او مشترک است، حکایت از اخذ نعمانی از کتاب ابن همّام دارد (برای نمونه نک: همان: ۱۷۹-۱۸۱، ۲۶-۲۹: ۱۸۴-۱۸۶، ح ۳۵-۳۷). با این حال استفاده از

این قرینه نیازمند قرائن دیگری است تا احتمال اخذ بالتوسط (نقل از منابع واسطه) را متنفی کند. از این رو اگر تمام اسانید پراکنده غیبت را که نام ابن‌همام در آغاز آنها آمده، طبق ترتیب حروف الفبا مرتب کنیم، خواهیم دید که این اسناد تا یک راوی مشخص دیگر، غیر از محمد بن همّام، با یکدیگر مشترک خواهند شد (برای نمونه نک: همان: ۱۶۶، ح ۶، ۱۶۹، ۱۰، ۱۷۹، ح ۲۴، ۱۸۴، ح ۳۵، ۳۰۲، ح ۷). در واقع، طریق به مصدر مکتوب، آن مؤلف بخش مشترک اسناد است، نه محمد بن همّام. بنابراین ابن‌همّام فقط در طریق نعمانی به آن مصدر جای دارد.

بنا بر صحیح بودن این احتمال ابن‌همّام در طریق نعمانی به چه کسی یا کسانی قرار دارد؟ در پاسخ می‌گوییم: چنانکه برخی از اصول حدیث امامیه همچون اصل‌های «زید الزرّاد» (عده‌ای از علما، ۱۴۲۳: ۲۵) و «عاصم بن حمید الحنّاط» (همان) و نیز کتاب *الرسالة الذهبیة* (طبّ الامام الرضا (ع)) (امام رضا (ع)، ۱۴۰۲: ۴) و کتاب *سلیم بن قیس* (الهلالی، ۱۴۰۵: ۶۷/۱) از طریق او به آیندگان رسیده است، محتمل است محمد بن همّام در طریق نعمانی به مؤلف این آثار قرار گرفته باشد. به هر حال شاهد یقینی در ترجیح احتمالات بالا در اختیار نداریم؛ چراکه راویانی که اسناد محمد بن همّام به آنان می‌پیوندند، از جمله احمد بن هلال العبرتائی (نجاشی، بی تا: ۸۳، ح ۱۹۹)، جعفر بن محمد بن مالک الفزّاری (همان: ۱۲۲، ح ۱۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۱۱، ح ۱۴۷)، حمید بن زیاد الکوفی (نجاشی، بی تا: ۱۳۲، ح ۳۳۹) و عبدالله بن جعفر الحمیری القمی (همان: ۲۱۹، ح ۵۷۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۴، ح ۴۴۰)، همگی خود مؤلف کتاب یا کتاب‌هایی هستند. بنابراین محتمل است که روایات منقول از آنان، از کتاب ایشان اخذ شده باشد.

#### ۷. کتاب ابو محمد حسن بن علی بن ابی حمزة البطائنی الکوفی

از میان کتب متعددی که به وی نسبت داده شده، آثار مربوط به موضوع غیبت را می‌توان چنین نام برد: *کتاب الدلائل*، *کتاب الفتن* (کتاب الملاحم)، *کتاب القائم*، *کتاب الغیبة* و *کتاب الرجعة* (نجاشی، بی تا: ۳۷، ح ۷۳؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۸۵/۱۳۰).

نعمانی در غیبت ۳۲ روایت از او اخذ کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۴، ح ۳؛ ۳۶، ح ۶-۸؛ ۳۷، ح ۹ و ۱۰؛ ۳۸، ح ۱۲؛ ۵۱، ح ۲؛ ۵۴، ح ۶؛ ۱۱۴، ح ۹؛ ۱۹۴، ح ۱؛ ۱۹۸، ح ۱۱؛ ۲۰۰، ح ۱۶؛ ۲۰۴، ح ۶؛ ۲۱۰، ح ۱۸؛ ۲۳۴، ح ۲۱ و ۲۲؛ ۲۳۹، ح ۳۱؛ ۲۴۰، ح ۳۵؛ ۲۴۱، ح ۳۷؛ ۲۵۰، ح ۶؛ ۲۵۳، ح ۱۳؛ ۲۵۷، ح ۱۴؛

۲۵۹، ح ۱۸؛ ۲۶۲، ح ۲۲؛ ۲۶۳، ح ۲۴؛ ۲۶۴، ح ۲۷؛ ۲۶۷، ح ۳۷؛ ۲۶۹، ح ۴۰؛ ۳۱۷، ح ۲؛ ۳۲۰، ح ۱۰؛ ۳۲۲، ح ۵). تعداد در خور توجهی از آنها که مربوط به موضوع غیبت است (همان: ۳۶، ح ۶-۸؛ ۳۷، ح ۹ و ۱۰؛ ۳۸، ح ۱۲؛ ۱۱۴، ح ۹؛ ۱۹۴، ح ۱؛ ۲۰۴، ح ۶؛ ۲۱۰، ح ۱۸؛ ۲۳۴، ح ۲۱ و ۲۲؛ ۲۳۹، ح ۳۱؛ ۲۵۰، ح ۶؛ ۲۵۳، ح ۱۳؛ ۲۵۷، ح ۱۴؛ ۲۵۹، ح ۱۸؛ ۲۶۲، ح ۲۲؛ ۲۶۳، ح ۲۴؛ ۲۶۴، ح ۲۷؛ ۲۶۷، ح ۳۷؛ ۲۶۹، ح ۴۰؛ ۳۲۲، ح ۵) که به احتمال قوی برگرفته از کتاب الفتن یا کتاب القائم‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۱۴). روایات دیگری هم از او موضوع رجعت پیامبر (ص) و امام علی (ع) را مطرح کرده (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۳۴، ح ۲۱ و ۲۲) که با عنوان کتاب الرجعة متناسب‌اند (مدرسی طباطبایی، ۱۳۸۶: ۳۱۵).

امکان دارد روایاتی را که نعمانی با سند «عبدالواحد بن عبدالله [بن یونس الموصلی]، عن احمد بن محمد بن محمد بن [علی بن عمر بن] ربّاح الزُّهری، عن محمد بن العباس [بن عیسی] الحسنی، عن الحسن بن علی بن ابی حمزه» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۶، ح ۶-۸؛ ۳۷، ح ۹ و ۱۰؛ ۳۸، ح ۱۲؛ ۱۱۴، ح ۹؛ ۲۱۰، ح ۱۸؛ ۲۳۹، ح ۳۱؛ ۳۲۲، ح ۵) در کتاب خود آورده، از کتاب وی اخذ کرده باشد. احتمال دیگری نیز وجود دارد که نعمانی آن احادیث را از کتاب الدلائل «احمد بن محمد بن ربّاح» گرفته باشد؛ اما در طرّقی که نجاشی برای کتاب‌ها یاد کرده، نام ابن ربّاح را به عنوان راوی از ابراهیم بن سلیمان (نجاشی، بی تا: ۲۹، ح ۵۷)، حسن بن محمد بن سماعة (همان: ۲۱۳، ح ۵۵۶)، قاسم بن اسماعیل (همان: ۲۲۱، ح ۵۷۷) و محمد بن الحسین الصائغ (همان: ۳۳۷، ح ۹۰۰) می بینیم. همچنین با توجه به اینکه نام ابن ربّاح در غیبت نعمانی فقط در دو طریق آمده، یکی طریق پیش گفته و دیگری طریق «عبدالواحد بن عبدالله بن یونس، عن احمد بن محمد بن ربّاح الزُّهری، عن احمد بن علی الحمیری، عن الحسن بن ایوب، عن عبدالکریم بن عمرو الخثعمی» (نعمانی، ۱۳۹۷: ۸۴، ح ۱۳؛ ۸۵، ح ۱۴؛ ۱۱۴، ح ۱۰؛ ۱۳۳، ح ۱۶؛ ۱۵۱، ح ۹؛ ۱۵۵، ح ۱۴؛ ۱۷۲، ذیل ۶؛ ۱۷۳، ح ۸؛ ۱۷۴، ح ۱۲؛ ۱۷۵، ح ۱۵؛ ۲۱۵، ح ۴؛ ۲۱۶، ح ۵؛ ۲۳۰، ح ۱۳؛ ۲۷۷، ح ۵۸؛ ۳۲۶، ح ۴)، بسیار بعید است روایات مبتنی بر این اسناد از کتاب ابن ربّاح گرفته شده باشند؛ زیرا با توجه به سند «وَبِهِ عَنْ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنِ عَمْرٍو عَنْ ثَابِتِ بْنِ شَرِيحٍ...» (همان: ۸۵، ح ۱۴) تعلیق سند به اضمّار در گروهی از روایات پی در پی (همان: ۸۴ و ۸۵، ح ۱۳ و ۱۴) احتمال اخذ از کتاب «عبدالکریم بن عمرو الخثعمی» را قوت می بخشد. بنابراین می توان گفت احمد بن ربّاح در طریق نعمانی به کتاب حسن بن علی بن ابی حمزه و عبدالکریم بن عمرو خثعمی قرار دارد.

نعمانی به طریق دیگری نیز از حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی روایت کرده، و آن طریق چنین است: «احمد بن محمد بن سعید بن عقده، عن احمد بن یوسف بن یعقوب الجعفی، عن اسماعیل بن مهران، عن الحسن بن علی بن ابی حمزه» (همان: ۳۴، ح ۳؛ ۵۱، ح ۲؛ ۵۴، ح ۶؛ ۱۹۴، ح ۱؛ ۱۹۸، ح ۱۱؛ ۲۰۰، ح ۱۶؛ ۲۰۴، ح ۶؛ ۲۳۴، ح ۲۱ و ۲۲؛ ۲۴۰، ح ۳۵؛ ۲۴۱، ح ۳۷؛ ۲۵۰، ح ۶؛ ۲۵۳، ح ۱۳؛ ۲۵۷، ح ۱۴؛ ۲۵۹، ح ۱۸؛ ۲۶۲، ح ۲۲؛ ۲۶۳، ح ۲۴؛ ۲۶۴، ح ۲۷؛ ۲۶۷، ح ۳۷؛ ۲۶۹، ح ۴۰؛ ۳۱۷، ح ۲؛ ۳۲۰، ح ۱۰). با توجه به تصریح نعمانی به اخذ ابن عقده از کتاب احمد بن یوسف (همان: ۵۱، ح ۲؛ ۲۰۴، ح ۶؛ ۲۴۰، ح ۳۵؛ ۲۵۰، ح ۶؛ ۲۵۳، ح ۱۳؛ ۲۶۹، ح ۴۰) به نظر می‌رسد نعمانی روایات کتاب ابی حمزه را به واسطه کتاب احمد بن یوسف نقل کرده است.

#### ۸ کتاب ابو محمد حسن بن محمد بن جمهور العمی البصری

رجال‌شناسان وی را مؤلف کتاب *الواحدة* دانسته‌اند (نجاشی، بی‌تا: ۶۲، ح ۱۴۴). نعمانی در غیبت شش روایت (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۸؛ ۷۶، ذیل ۷؛ ۱۹۵، ح ۴؛ ۱۹۸، ح ۱۰؛ ۲۲۹، ح ۱۱؛ ۲۴۲، ح ۴۱) از وی گرفته که طریقتش را به آنها چنین آورده: «محمد بن همّام و محمد بن الحسن بن جمهور جمیعاً، عن الحسن بن محمد بن جمهور». روایاتی که نعمانی به این طریق از حسن بن محمد بن جمهور نقل کرده، محتمل است برگرفته از کتاب *الواحدة* باشد.

#### ۹ کتاب ابو محمد عبدالله بن حمّاد الأنصاری

نام کتاب وی مشخص نیست. فقط می‌دانیم که در فهرس کتاب‌هایی را به او نسبت داده‌اند که به نوشته نجاشی یکی از آنها کوچک‌تر از دیگری بوده است (نک: نجاشی، بی‌تا: ۲۱۸، ح ۵۶۸؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۲۹۷، ح ۴۴۷).

نعمانی در غیبت ۲۴ روایت (نعمانی، ۱۳۹۷: ۵۷، ح ۱؛ ۱۲۷، ح ۱؛ ۲۰۹، ح ۱۷؛ ۲۱۵، ح ۳؛ ۲۳۸، ح ۲۸؛ ۲۴۴، ح ۴۴ و ۴۵؛ ۲۴۷، ح ۱؛ ۲۶۶، ح ۳۴؛ ۲۶۸، ح ۳۹؛ ۲۷۲، ح ۴۲؛ ۲۷۹، ح ۶۴؛ ۲۸۲، ح ۶۸؛ ۲۸۹، ح ۴؛ ۳۰۲، ح ۸؛ ۳۰۳، ح ۱۲؛ ۳۱۳، ح ۵؛ ۳۱۵، ح ۸؛ ۳۱۶، ح ۱۱؛ ۳۱۸، ح ۵؛ ۳۱۹، ح ۸؛ ۳۲۷، ح ۶؛ ۳۲۹، ح ۹؛ ۳۳۱، ح ۲) با طریق «ابوسلیمان احمد بن هُوذة الباهلی، عن ابراهیم بن اسحاق [الأحمري] النهاوندي، عن عبدالله بن حمّاد الأنصاری» از وی اخذ کرده است. روشن است که روایات مبتنی بر این طریق، از کتاب احمد بن هُوذة<sup>۷</sup> یا کتاب ابراهیم بن اسحاق، که مؤلف کتاب‌هایی مانند کتاب الغیبة، کتاب النوادر و کتاب جواهر الأسرار

است (نجاشی، بی تا: ۱۹، ح ۲۱؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۱۶، ح ۹)، گرفته نشده‌اند؛ زیرا از یک سو، در تمام این اسناد احمد بن هودّه به واسطه ابراهیم بن اسحاق احمری نهاوندی از عبدالله بن حمّاد انصاری روایت کرده و از سوی دیگر، راوی کتاب‌های عبدالله بن حمّاد، احمری یعنی همان ابراهیم بن اسحاق نهاوندی مذکور در اسناد غیبت نعمانی است (نجاشی، بی تا: ۲۱۸، ح ۵۶۸). بنابراین مؤلف مصدر مکتوب ابو محمد عبدالله بن حمّاد الأنصاری است؛ زیرا بر اساس قرائن کشف مصادر مفقود، طریق به منبع مکتوب، بخش مشترک اسناد است که همواره تکرار می‌شود.

شایان ذکر است که در یکی از این روایات (نعمانی، ۱۳۹۷: ۲۶۶، ح ۳۴) در آغاز سند در متن چاپی غیبت، به اشتباه نام احمد بن محمد بن سعید [بن عقده] افزوده شده است. گواه بر این اشتباه، نقل مجلسی در *بحار الأنوار* است که این روایت را از غیبت بدون نام ابن عقده در آغاز سند آورده است (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۹۶/۵۲، ح ۵۲).

#### ۱۰. کتاب ابو محمد عبدالله بن جبّله بن حیّان بن أبجر الکنانی

نجاشی کتب متعددی را، از جمله کتابی در موضوع غیبت با عنوان *الصفة فی الغیبة علی مذاهب الواقفة*، به او نسبت داده است (نجاشی، بی تا: ۲۱۶، ح ۵۶۳). نعمانی ۱۵ روایت (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۳، ح ۱؛ ۱۱۲، ح ۴؛ ۱۱۳، ح ۶ و ۷؛ ۱۵۸، ح ۱-۳؛ ۱۷۴، ح ۱۰؛ ۲۰۵، ح ۹؛ ۲۲۹، ح ۱۰؛ ۲۳۵، ح ۲۳؛ ۲۶۱، ح ۲۰؛ ۲۶۲، ح ۲۱؛ ۲۶۷، ح ۳۶؛ ۲۷۱، ح ۴۶) از او گرفته که آنها را با طریق «احمد بن محمد بن سعید بن عقده، عن القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم، عن عبّیس بن هشام النّاشری، عن عبدالله بن جبّله» در کتاب غیبت آورده است.

در اسناد روایات دیگری نیز نام عبدالله بن جبّله دیده می‌شود (همان: ۱۶۴، ح ۵؛ ۱۷۱، ح ۵؛ ۱۷۲، ح ۶؛ ۳۰۰، ح ۲؛ ۳۲۶، ح ۳)؛ اما نعمانی آن روایات را از کتاب وی اخذ نکرده است؛ زیرا گذشت<sup>۸</sup> که یکی (همان: ۱۶۴، ح ۵) از آنها را از کتاب ابوتراب عبیدالله بن موسی العلوی العبّاسی و بقیه (همان: ۱۷۱، ح ۵؛ ۱۷۲، ح ۶؛ ۳۰۰، ح ۲؛ ۳۲۶، ح ۳) را از کتاب قاسم بن محمد گرفته است؛ چراکه تصریح ابن عقده به نقل از کتاب قاسم بن محمد در چهار جا (همان) این احتمال را تقویت می‌کند که جاهای دیگری که ابن عقده در آنها به اخذ از کتاب قاسم بن محمد تصریح نکرده (همان: ۳۳، ح ۱؛ ۱۱۲، ح ۴؛ ۱۱۳، ح ۶ و ۷؛ ۱۵۸، ح ۱-۳؛ ۱۷۴، ح ۱۰؛ ۲۰۵، ح ۹؛ ۲۲۹، ح ۱۰؛ ۲۳۵، ح ۲۳؛ ۲۶۱، ح ۲۰؛ ۲۶۲، ح ۲۱؛ ۲۶۷، ح ۳۶؛ ۲۷۱، ح ۴۶) نیز



برگرفته از کتاب او باشد. اما میان مواردی که ابن عقده در آنها به اخذ از کتاب وی تصریح کرده و مواردی که به این امر تصریح نکرده فرق است؛ زیرا در تمام جاهایی که به اخذ از کتاب تصریح نشده، عبیس بن هشام از فردی غیر از عبدالله بن جبلة روایت نکرده، در حالی که در دو مورد (همان: ۳۰۰، ح ۲؛ ۳۲۶، ح ۳) از مواردی که به اخذ از کتاب تصریح شده، عبیس از فرد دیگری غیر از ابن جبلة روایت کرده است. بنابراین هر جا به اخذ از کتاب قاسم بن محمد تصریح نشده، ظاهراً مستقیماً از کتاب عبدالله بن جبلة با عنوان *الصفة فی الغیبة* (نجاشی، بی تا: ۲۱۶، ح ۵۶۳) اخذ شده و قاسم بن محمد در طریق نعمانی به این کتاب جای دارد. آنچه این گفته را قوت می‌بخشد وجود چند سند پی‌درپی در غیبت است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۵۸، ح ۱-۳) که از آغاز تا عبدالله بن جبلة یکسان‌اند و از او به بعد با یکدیگر تفاوت دارند.

ممکن است اشکالی به احتمال نقل مستقیم از کتاب عبدالله بن جبلة مطرح شود؛ زیرا در این اسناد، پیش از عبدالله بن جبلة نام عبیس بن هشام صاحب کتاب *النوادر* (طوسی، ۱۴۲۰: ۳۴۶، ح ۵۴۷؛ ابن شهر آشوب، ۱۳۸۰: ۸۹، ح ۶۰۷) آمده و احتمال دارد نعمانی به واسطه کتاب عبیس روایات ابن جبلة را اخذ کرده باشد. در پاسخ به این اشکال می‌گوییم: نام عبیس در سندهای غیبت نعمانی فقط در طریق به ابن جبلة وجود دارد، یعنی عبیس در طریق نعمانی به کتاب ابن جبلة قرار دارد؛ چراکه با توجه به اینکه همگی روایات کتاب عبیس مروی از عبدالله بن جبلة است، بعید است نعمانی به منبع اصلی توجهی نکرده باشد و روایات خود را از کتاب عبیس گرفته باشد. شایان ذکر است که نام «عبیس» در سند روایتی دیگر نیز آمده که به ابن جبلة منتهی نمی‌شود (نعمانی، ۱۳۹۷: ۳۲۶، ح ۳)؛ اما در آنجا ابن عقده تصریح کرده که روایت را از کتاب قاسم بن محمد بن الحسن بن حازم اخذ کرده است (همان)، هرچند در اینجا نیز ممکن است قاسم بن محمد از کتاب عبیس گرفته باشد.

#### ۱۱. کتاب عبدالکریم بن عمرو بن صالح الخثعمی الکوفی

نعمانی در غیبت ۱۵ روایت از کتاب وی اخذ کرده است (همان: ۸۴، ح ۱۳؛ ۸۵، ح ۱۴؛ ۱۱۴، ح ۱۰؛ ۱۳۳، ح ۱۶؛ ۱۵۱، ح ۹؛ ۱۵۵، ح ۱۴؛ ۱۷۲، ذیل ۶؛ ۱۷۳، ح ۸؛ ۱۷۴، ح ۱۲؛ ۱۷۵، ح ۱۵؛ ۲۱۵، ح ۴؛ ۲۱۶، ح ۵؛ ۲۳۰، ح ۱۳؛ ۲۷۷، ح ۵۸؛ ۳۲۶، ح ۴). طریق نعمانی به خثعمی و نمونه‌های آن در

غیبت، ذیل بحث از «ابومحمد حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی کوفی» بیان شد.<sup>۹</sup> در آنجا با ذکر دلایلی بر نقل نعمانی از کتاب خثعمی گفتیم احمد بن رباح در طریق نعمانی به کتاب عبدالکریم بن عمرو خثعمی قرار دارد.

### ۱۲. کتاب موسی بن سعدان الحنّاط الکوفی

وی را صاحب کتب کثیره دانسته‌اند (نجاشی، بی تا: ۴۰۴، ح ۱۰۷۲؛ ابن غضائری، ۱۳۶۴: ۹۰، ح ۱۲۳). نام وی در غیبت نعمانی فقط در دو سند آمده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۳۴، ح ۱۷؛ ۳۱۰، ح ۵). دلایل زیر شاهی بر اخذ این روایات از کتاب او با عنوان کتاب الطرائف (نجاشی، بی تا: ۴۰۴، ح ۱۰۷۲) است:

الف) این طریق در همه جا تا موسی بن سعدان مشترک است و از او به بعد نام راویان مختلف است؛

ب) هر دو روایت فوق را ابوجعفر همدانی از وی نقل کرده است. بنا بر فهارس نجاشی و شیخ طوسی، «محمد بن الحسین بن ابی الخطاب ابوجعفر الزیات الهمدانی» راوی کتاب موسی بن سعدان است (همان؛ طوسی، ۱۴۲۰: ۴۵۲، ح ۷۱۵)؛ بنابراین احتمال اخذ از کتاب موسی بن سعدان تقویت می شود.

### ۱۳. کتب دیگر مشایخ ابن عقده

ابوالعباس احمد بن محمد بن سعید همدانی کوفی، معروف به ابن عقده (۲۴۹-۳۳۲ یا ۳۳۳ ق)، از جمله محدثان بزرگ شیعی است. بخش معتابهی از اصول شیعی را او روایت کرده و حدیث او به وفور در کتب اربعه وارد شده است (نجاشی، بی تا: ۹۴، ح ۲۳۳؛ طوسی، ۱۳۷۳: ۴۰۹، ح ۵۹۴۹؛ همو، ۱۴۲۰: ۶۸، ح ۸۶؛ حلی، ۱۴۱۱: ۲۰۳، ح ۱۳). از کتاب‌های متعددی که نگاشته و همگان بر ذکر عناوین آن اذعان دارند (همان) اثری در دسترس نیست.

نعمانی بارها از وی حدیث اخذ کرده است؛ اما چون ابن عقده خود کتابی ندارد که با موضوع روایات غیبت نعمانی هماهنگ باشد، به نظر می رسد نعمانی این روایات را از کتب هشت نفر دیگر از مشایخ ابن عقده، که به تصریح وی از کتابشان برای او روایت کرده‌اند، گرفته است. تفصیل این اخذ چنین است:

ابن عقده در ۲۰ جا از احمد بن یوسف بن یعقوب الجعفی روایت نقل کرده که در برخی از آنها به اخذ از او و کتابش تصریح کرده است (با تعبیر «من کتابه»): نعمانی، ۱۳۹۷: ۵۱، ح ۲؛ ۲۰۴، ح ۶؛ ۲۴۰، ح ۳۵؛ ۲۵۰، ح ۶؛ ۲۵۳، ح ۱۳؛ ۲۶۹، ح ۴۰؛ مواضع دیگر: همان: ۳۴، ح ۳؛ ۵۴، ح ۶؛ ۱۹۴، ح ۱؛ ۱۹۸، ح ۱۱؛ ۲۰۰، ح ۱۶؛ ۲۳۴، ح ۲۱؛ ۲۴۱، ح ۳۷؛ ۲۵۷، ح ۱۴؛ ۲۶۲، ح ۲۲؛ ۲۶۳، ح ۲۴؛ ۲۶۴، ح ۲۷؛ ۲۶۷، ح ۳۷؛ ۳۱۷، ح ۲؛ ۳۲۰، ح ۱۰). از کتاب جعفر بن عبدالله المحمدی سه حدیث اخذ کرده است (همان: ۲۷؛ ۲۰۸، ح ۱۶؛ ۳۲۴، ح ۱). در هشت جا از حمید بن زیاد روایت گرفته است (با تعبیر «من کتابه»): همان: ۹۹، ح ۳۰؛ ۱۷۹، ح ۲۵؛ مواضع دیگر: همان: ۱۱۱، ح ۱؛ ۱۹۶، ح ۵؛ ۲۴۱، ح ۳۶؛ ۲۴۸، ح ۳؛ ۳۰۶، ح ۱۸؛ ۳۱۷، ح ۱). دو روایت از عبدالله بن احمد بن مُسْتَوْرِد الأَشْجَعِی نقل کرده (با تعبیر «من کتابه»): همان: ۵۱، ح ۱؛ مواضع دیگر: همان: ۱۷۷، ح ۲۱) و در چهار سند از کتاب القاسم بن محمد بن الحسن بن حازم روایت نقل کرده است (همان: ۱۷۱، ح ۵؛ ۱۷۲، ح ۶؛ ۳۰۰، ح ۲؛ ۳۲۶، ح ۳). گذشت<sup>۱۰</sup> که روایات دیگری را که ابن عقده به اخذ از کتاب وی تصریح نکرده از کتاب ابومحمد عبدالله بن جبلة بن حیّان گرفته و نام «قاسم بن محمد» در طریق به کتاب عبدالله بن جبلة آمده است؛ یعنی از کتاب قاسم بن محمد اخذ نشده‌اند. چهار بار از محمد بن سالم بن عبدالرحمن الأزدی روایت نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۱۱۰، ح ۳۹ و ۴۰؛ ۲۸۴، ح ۲؛ ۳۰۱، ح ۶). در دو جا تصریح کرده که حدیث را از کتاب وی در شوال ۲۷۱ ق (إحدى و سبعین و مأتین) اخذ کرده است (همان: ۲۸۴، ح ۲؛ ۳۰۱، ح ۶). در دو جای دیگر که از تعبیر «من کتابه» استفاده نکرده، تاریخ یکی را شوال ۲۸۱ ق (إحدى و ثمانین و مأتین) (همان: ۱۱۰، ح ۳۹) و دیگری را شوال ۲۶۱ ق (إحدى و ستین و مأتین) (همان: ۱۱۰، ح ۴۰) بیان کرده است. بعید نیست که «ثمانین» در اولی و «ستین» در دومی، تصحیف «سبعین» باشد؛ بنابراین هر چهار روایت را از کتاب او اخذ کرده است. هفت بار از محمد بن المفضل بن ابراهیم بن قیس بن رُمّانة الأشعری روایت اخذ کرده است (با تعبیر «من کتابه»): همان: ۹۷، ح ۲۹؛ ۲۹۹، ح ۱. مواضع دیگر: همان: ۱۱۱، ح ۲؛ ۲۳۶، ح ۲۴؛ ۲۵۱، ح ۸؛ ۲۹۶، ح ۱؛ ۳۲۱، ح ۴). نام او در جاهای دیگری نیز آمده که بیشتر آنها در طریق به ابن محبوب است.<sup>۱۱</sup> در هشت جا از یحیی بن زکریا بن شیبان الکندی العلاف روایت نقل کرده است (نعمانی، ۱۳۹۷: ۶۶، ح ۶؛ ۱۲۹، ح ۴؛ ۱۳۵، ح ۱۹؛ ۱۷۸، ح ۲۳؛ ۱۹۷، ح ۶؛ ۲۳۴، ح ۲۲؛ ۲۵۹، ح ۱۸؛ ۳۳۱، ح ۷). در دو جا به اخذ از کتابش تصریح کرده است (همان: ۶۶، ح ۱۷۸، ح ۲۳). در جاهایی که از تعبیر «من کتابه» استفاده نکرده، در دو

جا تصریح به تحدیث در سال ۲۷۳ ق کرده است (همان: ۱۲۹، ح ۴؛ ۱۳۵، ح ۱۹) و این همان تاریخی است که ابن عقده در آن از کتاب یحیی بن زکریا روایت کرده است (همان: ۶۶، ح ۶). بنابراین ممکن است همه این هشت روایت از کتاب یحیی بن زکریا باشد. با این حساب، نعمانی در مجموع ۵۶ روایت از دیگر مشایخ ابن عقده اخذ کرده است.

#### ۱۴. سایر مصادر

روایات اندک دیگری باقی می ماند که وجود منبعی مکتوب در آنها برای ما ثابت نشده و محتمل است که به صورت شفاهی روایت شده باشند. در برخی از این اسناد، قرائنی نیز بر نقل شفاهی وجود دارد؛ مثلاً نعمانی در سندی می نویسد: «وجدت هذا الحدیث عند بعض إخواننا...» (همان: ۳۲۸، ذیل ۸). همچنین وی در برخی از اسناد، زمان و محل اخذ روایت را از استادش ذکر کرده است (برای نمونه نک.: همان: ۲۷؛ ۳۲۴، ح ۱؛ ۲۰۸، ح ۱۶). اینها می توانند قرینه ای بر استماع مستقیم وی از ایشان باشد؛ چراکه نعمانی برای دست یابی به منابع ناب حدیث، سفرهای فراوانی به مناطق گوناگون از جمله ایران، بغداد، شام، اردن و حلب داشته است (نجاشی، بی تا: ۳۸۳، ح ۱۰۴۳؛ غفاری، در: نعمانی، ۱۳۹۷: مقدمه/۱۱).

#### نتیجه

در بازشناسی مصادر حدیثی کتاب غیبت نعمانی، نتایج کلی زیر به دست آمد:

۱. از میان ۴۷۸ روایت کتاب غیبت نعمانی، مصدر ۴۳۸ روایت تا حدی شناسایی شد که از میان آنها و بر اساس شواهد ذکر شده در متن، ۸۵ روایت از دو مصدر موجود و ۳۵۳ روایت از ۲۰ مصدر مفقود اخذ شده اند.
۲. نعمانی احیاناً روایاتی را از مؤلف برخی مصادر حدیثی موجود گرفته که آنها را بعد از فحص در آن مصادر نیافتیم؛ مثلاً از میان ۸۰ روایتی که از کلینی گرفته، یک روایت را در کتاب کافی نیافتیم. در امثال این روایات چند احتمال وجود دارد، از جمله: اخذ شفاهی از مؤلف، اخذ از سایر کتب مؤلف، حذف آن روایت از آن مصدر به دست راویان بعدی یا ناسنخ و ... . بحث درباره میزان قوت هر یک از این احتمالات در جای خود گذشت.

۳. نعمانی احادیثی را نقل کرده که به مصادر آنها اذعان نکرده است. در اکثر اینها که سند را با نام شیخش شروع کرده، به سهولت تشخیص پذیر نیست که از او شنیده یا از کتابش گرفته یا از کتاب دیگر راویان حدیث اخذ کرده و در آغاز، طریق خود را به آن کتاب آورده است.

### پی‌نوشت‌ها

۱. برای آشنایی بیشتر با «قرائن کشف مصادر مفقود» نک: شبیری زنجانی، ۱۳۸۰.
۲. به ترتیب در: الهاللی، ۱۴۰۵: ۷۴۸/۲، ۷۰۵، ۶۲۰، ۶۳۶، ۶۷۵.
۳. درصد تشابه روایات با استفاده از نرم‌افزار جامع الأحادیث نور (نسخه ۳/۵) بررسی شد.
۴. به ترتیب در: کلینی، ۱۴۰۷: ۵۳۲/۱؛ ح ۱۱؛ ۳۳۸؛ ح ۷؛ ۵۳۳؛ ح ۱۵؛ ۵۳۴؛ ح ۱۹؛ ۵۲۹؛ ح ۴؛ ۳۷۳؛ ح ۴؛ ۳۷۲؛ ح ۱؛ ۳۷۳؛ ح ۸؛ ۳۷۴؛ ح ۱؛ ۳۷۳؛ ح ۶ و ۷ و ۹؛ ۳۷۴؛ ح ۱۰ و ۱۱ و ۱۱؛ ۳۷۶؛ ح ۴؛ ۳۷۵؛ ح ۳؛ ۳۷۶؛ ح ۵؛ ۳۷۷؛ ح ۴؛ ۳۳۹؛ ح ۱۳؛ ۱۷۸؛ ح ۲ و ۳ و ۴ و ۵ و ۸؛ ۱۷۹؛ ح ۱۰ و ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۲؛ ۱۸۰؛ ح ۳ و ۴ و ۵؛ ۳۴۱؛ ح ۲۲ و ۲۳؛ ۳۳۶؛ ح ۳ و ۲؛ ۳۳۸؛ ح ۸؛ ۳۴۲؛ ح ۲۸؛ ۳۴۰؛ ح ۱۷؛ ۳۳۳؛ ح ۱؛ ۳۳۶؛ ح ۴؛ ۳۳۷؛ ح ۵؛ ۳۴۲؛ ح ۲۹ و ۲۶؛ ۳۴۱؛ ح ۲۵؛ ۳۳۵؛ ح ۱؛ ۳۴۰؛ ح ۱۹؛ ۳۴۲؛ ح ۲۷؛ ۳۴۰؛ ح ۲۰؛ ۳۳۷؛ ح ۶؛ ۳۳۹؛ ح ۱۲ و ۱۴؛ ۳۳۸؛ ح ۹؛ ۳۴۱؛ ح ۲۱ و ۲۴؛ ۳۴۳؛ ح ۳۰؛ ۳۴۰؛ ح ۱۵؛ ۱۶؛ ۳۳۸؛ ح ۱۰؛ ۳۴۲؛ ح ۲۷؛ ۳۶۹؛ ح ۱؛ ۳۷۰؛ ح ۴ و ۵ و ۲ و ۶؛ ۱۹۸؛ ح ۱؛ ۲۰۳؛ ح ۲؛ روایت موجود در کتاب الغیبة نعمانی، در کتاب الکافی کلینی یافت نشد؛ ۳۶۸؛ ح ۱ و ۲ و ۳ و ۵؛ ۳۶۹؛ ح ۶ و ۷؛ ۳۷۱؛ ح ۱ و ۲ و ۳ و ۴ و ۵؛ ۳۷۲؛ ح ۷.
۵. «تحویل» در اصطلاح محدثان نوعی عطف در سند است که یک طبقه را بر یک طبقه و گاه یک طبقه را بر دو طبقه و گاه چند طبقه را بر چند طبقه عطف می‌کند. به این ترتیب راوی چند سند را که اشتراکاتی با یکدیگر دارند در یک سند جمع می‌کند.
۶. به اعتقاد شوشتری، نام صحیح او عبدالله است (نک: شوشتری، ۱۴۱۰: ۶/۳۳۲، ح ۴۵۵۲؛ ۷/۹۳، ح ۴۷۶۵).
۷. در منابع رجالی، انتساب کتابی به وی را نیافتیم.
۸. نک: همین نوشتار، مصادر مفقود، ش ۱.
۹. نک: همین نوشتار، مصادر مفقود، ش ۷.
۱۰. نک: همین نوشتار، مصادر مفقود، ش ۱۰.
۱۱. نک: همین نوشتار، مصادر مفقود، ش ۵.

### منابع

ابن‌ادریس حلی، محمد بن‌احمد (۱۴۱۰ق)، *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*، قم: انتشارات جامعه مدرسین.

ابن بابویه قمی (صدوق)، محمد بن علی (۱۳۹۵ق)، کمال الدین و تمام النعمة، تهران: انتشارات اسلامیه.  
 ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۷۹)، مناقب آل أبی طالب (ع)، قم: علامه.  
 ابن شهر آشوب، محمد بن علی (۱۳۸۰)، معالم العلماء فی فهرست کتب الشیعة، نجف: المطبعة الحیدریة.  
 ابن طاووس، عبدالکریم بن احمد (بی تا)، فرحة الغری فی تعیین قبر أمير المؤمنين علی بن أبی طالب (ع) فی النجف، قم: منشورات الرضی.

ابن طاووس، علی بن موسی (۱۴۰۹ق)، إقبال الأعمال، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
 ابن عبدالوهاب (بی تا)، عیون المعجزات، قم: مکتبه الداوری.  
 ابن غضائری، احمد بن حسین (۱۳۶۴ش/۱۴۲۲ق)، الرجال، قم: دار الحدیث.  
 ابن قولویه قمی، جعفر بن محمد (۱۳۵۶ق)، کامل الزیارات، نجف: دار المرتضویه.  
 الامام الرضا (ع)، علی بن موسی (۱۴۰۲ق)، طب الامام الرضا (ع) (الرسالة الذهبیة)، قم: دار الخیام.  
 حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۱ق)، رجال العلامة الحلی، نجف: دار الذخائر.  
 خوبی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۳ق)، معجم رجال الحدیث و تفصیل طبقات الرواة، بی جا: بی نا.  
 شبیری زنجانی، محمدجواد (۱۳۸۰ش)، «منبع شناسی: نعمانی و مصادر الغیبة-۱»، انتظار موعود، ش ۲، ص ۲۴۶-۲۵۹.

شوشتری، محمدتقی (۱۴۱۰ق)، قاموس الرجال، قم: انتشارات جامعه مدرّسین.  
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۷۳ش)، الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.  
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۹۰)، الاستبصار فیما اختلف من الأخبار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷ق)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
 طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۲۰ق)، الفهرست، قم: مکتبه المحقق الطباطبای.  
 عدّه ای از علما (۱۳۸۱ش/۱۴۲۳ق)، الأصول الستة عشر، قم: دارالحدیث.  
 قلیچ، رسول (۱۳۹۰ش)، بررسی دیدگاه عالمان شیعه درباره کتاب سلیم بن قیس با تأکید بر نقد دیدگاه های معاصر، پایان نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات تاریخ تشیع، استاد راهنما: مهدی مهریزی، استاد مشاور: مهدی فرمانیان، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.  
 کشّی، محمد بن عمر (۱۴۰۹ق)، اختیار معرفة الرجال، مشهد: انتشارات دانشگاه مشهد.  
 کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.  
 مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار، بیروت: دار إحياء التراث العربی.  
 مدرسی طباطبای، سید حسین (۱۳۸۶ش)، میراث مکتوب شیعه از سه قرن نخستین هجری، قم: انتشارات مورخ.

نجاشی، احمد بن علی (بی تا)، الرجال، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.  
 نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷ق)، الغیبة، مصحح: علی اکبر غفاری، تهران: صدوق.  
 الهاللی، سلیم بن قیس (۱۴۰۵ق)، کتاب سلیم بن قیس، قم: الهادی.